

یکی از مهم‌ترین مسائل بشری، که از دیرباز مورد توجه ادیان، مکاتب و اخیراً اندیشمندان روان‌شناسی بوده، شناخت «خود»، و آگاهی از مفهوم و ساختار آن است. این موضوع، به دلیل اهمیت آن در جنبه‌های مختلف روان‌شناسی، به‌ویژه در حوزه آسیب‌شناسی که مشکلات رفتاری و اختلالات روان‌شناختی را به «خود» به منزله هسته مرکزی شخصیت نسبت می‌دهد، مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. رابینز^۱ و همکارانش در سال ۱۹۹۹م در بررسی ارجاعات به «خود»، بالغ بر ۱۵۳۰۰۰ مقاله را ردیابی کردند. یکی از ابعاد اساسی این نوشته‌های وسیع، بر سنجش احساس مداوم خودآگاهی اتکا دارد. در این بررسی‌ها، «خود» اساس کنش‌وری بهینه شخصیت در نظر گرفته شده است؛ زیرا خود از طریق فرایندهای «خودآگاهی»،^۲ نظم‌دهنده رفتار و تجربه انسانی است.^۳

محوری‌ترین موضوع بحث در میان روان‌شناسان، به‌ویژه نظریه‌پردازان شخصیت چون یونگ،^۴ راجرز^۵ و آلپورت،^۶ «خود» به منزله هسته مرکزی سیستم روانی و محور شخصیت انسان است،^۷ که مظهر وحدت، کلیت، نظم و تعادل در شناخت، هیجان و رفتار است؛ و موجب انسجام، یک‌پارچگی، سازگاری، حرمت خود،^۸ خودنظم‌بخشی،^۹ خودشکوفایی و کنش‌وری بهتر و سلامت روانی می‌شود. در این میان، فرایندهای خودآگاهی است که به‌عنوان یکی از سازه‌های مهم شخصیت، نقش مهمی در این کارکردها دارد.^{۱۰} پژوهشگران روان‌شناسی در پی بررسی خودآگاهی، به فرایندهای مختلفی از آن، گاه با عناوین گوناگون، اما در پی محتوای نسبتاً واحد، دست یافته‌اند. مفهوم «خودشناسی انسجامی»،^{۱۱} و از آن دقیق‌تر «خودآگاهی»،^{۱۲} به‌دنبال ارتباط مقیاس خودهشیاری^{۱۳} فنیگشتاین^{۱۴} با سازش‌نیافتگی، و پیامدهای منفی آن، پیشنهاد شد. در فرایندهای خودشناختی، سازه‌های مرتبط دیگری چون بهشیاری،^{۱۵} خوداندیشی یا خودتأمل‌گری^{۱۶} مطرح است.

«خودآگاهی» فراتر از مفهوم خودشناسی، ساختاری سازش‌دهنده، پویایی و انسجام‌بخش است که از رشد ساختارها و فرایندهای شناختی و نیز عواطف و احساسات تنیده در آن حاصل می‌شود و شامل درک، توجه و آگاهی از ابعاد وجودی، ویژگی‌ها، افکار، احساس‌ها، گرایش‌ها و رفتارهای خود در طی فرایند زمان است.^{۱۷}

پژوهش‌ها فرایندهای خودآگاهی را در ارتقای سلامت روانی، اثربخش توصیف کرده‌اند. خودهشیاری خصوصی با سلامت روانی مرتبط می‌باشد و خودشناسی انسجامی، فراتر از عامل‌های شخصیتی، در پیش‌بینی سلامت روانی دارای اعتبار افزایشی است و با دیگر فرایندهای خودشناختی،

رابطه خدا آگاهی با خود آگاهی

مسعود نورعلیزاده میانجی* / ابوالقاسم بشیری** / مسعود جان‌بزرگی***

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین خداآگاهی و خودآگاهی، و تبیین نقش خداآگاهی در خودآگاهی است. روش این پژوهش از نوع همبستگی و پس‌رویدادی می‌باشد. تعداد ۲۲۵ نفر، به شیوه تصادفی خوشه‌ای نمونه‌گیری شدند. داده‌های گردآوری‌شده توسط آزمون خداآگاهی و مقیاس خودشناسی انسجامی که از اعتبار و روایی لازم برخوردارند، با استفاده از همبستگی پیرسون، رگرسیون و شاخص‌های آماری دیگر تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌های پژوهش نشان داد که بین خداآگاهی و خودآگاهی رابطه معنادار مثبت وجود داشته، خداآگاهی نقش پیش‌بینی‌کننده در خودآگاهی دارد. نتایج این پژوهش حکایت از بعد مهمی از دین‌داری، در تبیین چگونگی اثربخشی آن در کارکردهای روان‌شناختی دارد. با افزایش میزان خداآگاهی، میزان خودآگاهی نیز افزایش خواهد یافت. همچنین با ارتقای سطح دانش و آگاهی دین‌شناختی و پایبندی مذهبی، میزان خداآگاهی و خودآگاهی افراد افزایش می‌یابد. بنابراین، خداآگاهی به منزله عامل بنیادین وحدت، در رأس سازمان روانی انسان، فرایند خودآگاهی را در کنش‌وری بهتر «خود»، یک‌پارچگی و توحید یافتگی شخصیت و دیگر کارکردهای روان‌شناختی، تحت تأثیر قرار می‌دهد. کلیدواژه‌ها: خداآگاهی، خودآگاهی، خود، آگاهی، ذکر، دین‌داری.

شخصیتی، و هوش هیجانی ارتباط معنادار دارد.^{۱۸} خودآگاهی با فرایندهای دیگر خودشناختی، چون خودآثربخشی و هوش هیجانی، هم‌دلی و ارتباط مثبت دارد.^{۱۹} همچنین به‌شیاری، رفتار خودنظم‌بخشیده^{۲۰} و حالت‌های هیجانی مثبت^{۲۱} را پیش‌بینی می‌کند و با افزایش آن، اختلال در وضع روانی و تنیدگی کاهش می‌یابد.^{۲۲} شواهد پژوهشی و بالینی متعددی نیز بر نقش مثبت خودآگاهی در مدیریت تنیدگی و مقابله مؤثر تأکید دارند.^{۲۳}

در خصوص اصل مفهوم خود انسانی، چگونگی شکل‌گیری و سازمان‌یابی آن و فرایندهای خودآگاهی، از دو جهت نظری و بالینی بحث‌های زیادی در بین نظریه‌پردازان و پژوهشگران درافتاده است. در این میان، آموزه‌های اسلامی اساسی‌ترین مسیر برای ایجاد و بقای خودآگاهی را «خداآگاهی»^{۲۴} معرفی می‌کند^{۲۵} و پرده از ارتباط ازلی و فطری بین «خود» و «خدا»^{۲۶} شدت نزدیکی، حضور قیومی و پیوستگی تعلق^{۲۷} و اصل «روح الهی» انسان^{۲۸} برمی‌دارد. در حقیقت، عملکرد درست خودآگاهی در سازش‌یافتگی، کنش‌وری و بهزیستی روانی، در گرو «خداآگاهی» است. شاید به همین دلیل است که «خودآگاهی» از جمله ویژگی‌های افراد دین‌دار با جهت‌گیری درونی توصیف شده است؛^{۲۹} چراکه معمولاً مؤلفه‌های ذکرشده برای خداآگاهی، در این‌گونه جهت‌گیری مذهبی ملاحظه می‌شود.

«خداآگاهی» فراتر از مفهوم خداشناسی، یعنی شناخت، توجه و احساس حضور خدا، پیوستگی و تعلق به او و تداوم‌بخشی به ارتباط ناگسستگی با خداست. در این میان، ذکر و یاد خدا اصلی‌ترین پل ارتباطی با مبدأ هستی‌بخش است که ابعاد فطری و وجودی انسان را شکوفا می‌سازد. یاد خدا (خداآگاهی)، یاد خود (خودآگاهی)^{۳۰} و یک فرایند مشاهده درونی برای بازیابی خویشستن است. در واقع همه هستی، هویت و شخصیت حقیقی انسان، در همین توجه دائمی و ارتباط ناگسستگی تکوینی با خدا نهفته است. خداآگاهی، از ابعاد اساسی دین‌داری و یک ساختار نهفته در درون است که به شخصیت و سیستم روحی-روانی انسان، توحید یافتگی و انسجام می‌بخشد.^{۳۱}

«خداآگاهی» و ارتباط آن با «خودآگاهی» و تأثیر آنها بر رشد شخصیت و سلامت روانی، از مهم‌ترین کارکردهای مذهب است که در همه ادیان الهی، به‌ویژه اسلام به آن پرداخته شده است. اندیشمندانی چون کیرگارد،^{۳۲} جیمز،^{۳۳} یونگ، آلپورت و فرانکل^{۳۴} بر وجود جوهری الهی و حضور خدا در روان ناهشیار، ارتباط عمیق درونی «خدا» و «خود»، تأثیر خدایابی در پذیرش و بازیابی خود، کسب هویت، پرورش و انسجام شخصیت و شکل‌گیری نظام روان‌شناختی در سطوح عاطفی، شناختی

و رفتاری، جبران ضعف‌ها، نیازها و خلأهای وجودی و درمان بیماری‌های روانی به‌وسیله ارتباط با خدا تأکید دارند.^{۳۵}

مطالعه درباره چگونگی تأثیر خودآگاهی بر کارکردهای مثبت روانی ادامه دارد. برخی از اندیشمندان بر این باورند که «خودآگاهی» یا «آگاهی به خود» به معنای واقعی، فرع بر «خداآگاهی» است.^{۳۶} شهید مطهری می‌گوید:

خدا به انسان آن‌چنان نزدیک و با او یگانه است که آگاهی انسان به خدا عین آگاهی او به خودش است؛ بلکه انسان فقط وقتی می‌تواند به خودش آگاه باشد که به خدا آگاه باشد و محال است کسی «خودآگاه» باشد، ولی «خداآگاه» نباشد. قرآن می‌فرماید: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»^{۳۷} انسان آن وقت خودش را باز می‌یابد که خدای خودش را باز یافته باشد. اگر انسان خدایش را فراموش کرد، خودش را فراموش کرده است. قرآن در جهت عکس‌اگرستانسیالیسم می‌فرماید: انسان فقط آن وقت می‌تواند «خودآگاه» شود که «خداآگاه» شود و این، از آن عالی‌ترین و دقیق‌ترین مسائل انسانی و روانی قرآن است که واقعاً حیرت‌آور است.^{۳۸}

نتایج پژوهش‌های مرتبط با دو حوزه مسائل و عوامل مذهبی و شخصیتی، چون ارتباط نزدیک و عمیق‌تر با خداوند، تجربه معنوی،^{۳۹} خداانگاره^{۴۰} و توکل به خدا در گستره اول، و توحید یافتگی یا تحول‌یافتگی من، خودپنداشت یا خودانگاره و حرمت خود در گستره دوم، نشانگر ارتباط روان‌شناختی بین آنهاست.^{۴۱} جهت‌گیری مذهبی درونی و دل‌بستگی به خدا (رابطه درک‌شده نزدیک و عاشقانه با خدا، به منزله پایگاهی ایمن و حفظ مجاورت با او)، با سطح تحول من ارتباط مثبت دارد و پیش‌نیاز دستیابی به آن است.^{۴۲} در پژوهش‌های دیگر شخصیتی، پایبندی مذهبی با عامل روان‌پرسی شخصیت، رابطه منفی دارد.^{۴۳} افرادی که در زندگی خود به خداوند توکل دارند، تصویری مثبت از «خود» داشته، همچون دیگر صفات شخصیتی،^{۴۴} از حرمت خود بالایی برخوردارند.^{۴۵} افراد متوکل با خداانگاره مثبت، با تکیه بر منبع امن الهی و عزتمندی در سایه انوار الهی، به ارزش و توان خود آگاه می‌شوند و به خود اعتماد می‌یابند و در مقابله با تنیدگی و حل مشکلات، مسئله‌مدار برخورد می‌کنند.^{۴۶}

«خداانگاره» یا «تصور از خدا» - به‌عنوان درک تجربه‌ای شخص از خدا - یکی از مفاهیم مرتبط در حوزه خداآگاهی است که با بسیاری از کارکردهای روان‌شناختی چون «حرمت خود»،^{۴۷} و دینی از جمله دل‌بستگی به خدا رابطه معنادار دارد.^{۴۸} پژوهش لارنس^{۴۹} (۱۹۹۷) بیانگر این است که «تصور از خدا» با «ازخودبیگانگی»، «دل‌بستگی نایمن»، «خودمحوری» و «ناشایستگی اجتماعی»، همبستگی منفی معناداری دارد.^{۵۰} نتایج پژوهش اسچاپ - جانکر و همکارانش (۲۰۰۲) درباره بیماران روانی، بیانگر

رابطه مثبت بین آسیب‌شناسی شخصیت و تصور منفی از خدا بود.^{۵۱} به عقیده ریان^{۵۲} (۲۰۰۱)، تصاویر منفی از خدا، آثار زیان‌باری بر سلامت روانی، رفتار بین فردی و خودپنداره فرد نیز بر جای می‌گذارد^{۵۳} و با احساس بی‌لیاقتی، ارتباط دارد.^{۵۴}

گرینوی و همکاران (۲۰۰۳) در پژوهش خود که فرضیه‌هایی چون همبستگی درک خدا به صورت حاضر در زندگی روزمره با احساس بهزیستی را مورد آزمون قرار دادند، به این نتیجه رسیدند که ویژگی‌های شخصیتی می‌تواند اثر متقابل بر بازنمایی‌های درونی شخصی از خدا داشته باشد؛ و چگونگی درک خود بر چگونگی احساس از خدا اثر می‌گذارد.^{۵۵} بنسون و اسپیلکا^{۵۶} (۱۹۷۳) گزارش کردند که بین تصور از خود، به‌ویژه حرمت خود و تصور از خدا ارتباطی مثبت وجود دارد. هرچه حرمت خود و تصور از خود مثبت‌تر بود، خدا مثبت‌تر، حامی‌تر، مهربان‌تر و قدرتمندتر تصور شده بود.^{۵۷} تیزدل و همکاران (۱۹۹۷) نیز همبستگی معناداری را بین پذیرش خود، پذیرش دیگران و داشتن تصویر ذهنی پذیرنده از خدا پیدا کرده‌اند.^{۵۸}

باید توجه داشت که دین تنها با انگاره و تصویر ذهنی فرد از خدا راضی نمی‌شود؛ بلکه درصدد آن است که به آگاهی و معرفتی اصیل‌تر دست یابد و با مطلوب خویش بیشتر اتحاد پیدا کند.^{۵۹} از این‌رو، باید درصدد پژوهش‌هایی در فرهنگ اسلامی و با مفهوم‌سازی‌های جدید از خداآگاهی و در ارتباط با خودآگاهی و کارکردهای روان‌شناختی آن بود. نتایج یکی از پژوهش‌های نزدیک، بیانگر آن است که افزایش خودشناسی اسلامی، به‌گونه‌ای معنادار باعث افزایش میزان سازگاری زناشویی گروه آزمایشی، در مقایسه با گروه گواه می‌شود.^{۶۰} از این‌رو، مطهری معتقد است که خودآگاهی کامل، در خداآگاهی است.^{۶۱} با وجود فقر پژوهشی در خصوص سازه مهم خداآگاهی، در زمینه بررسی ارتباط بین خداآگاهی و خودآگاهی تنها می‌توان به مطالعات اندک و غیرمستقیم که با آنها مرتبط‌اند، دست یافت. به عقیده آلپورت (۱۹۶۰) ویژگی‌های شخصیتی چون خودآگاهی، در جهت‌گیری مذهبی درونی وجود دارد.^{۶۲} در پژوهش‌های قربانی و واتسون (۱۳۸۴) نیز خودشناسی با عوامل شخصیتی و سالم‌ترین اشکال دین‌داری همبستگی داشته است.

یافتن پاسخ مناسب به این پرسش مهم پژوهشی که «رابطه خداآگاهی با خودآگاهی چگونه است؟»، موضوعی است که تاکنون در بررسی‌های علمی روان‌شناسی دینی، با مفهوم‌سازی جدید خداآگاهی، بررسی نشده است. بنابراین، ضروری است در پژوهش حاضر چگونگی «رابطه خداآگاهی با خودآگاهی» و نقش پیش‌بینی‌کنندگی خداآگاهی در خودآگاهی تبیین شود. باید توجه داشت که انتخاب

خداآگاهی به عنوان متغیر پیش‌بین، در برابر خودآگاهی به‌عنوان متغیر ملاک، با توجه به مبانی نظری اسلامی که ذکر شد، به‌ویژه با الهام از آیه ۱۹ سوره حشر - نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ أَنْفُسَهُمْ - صورت گرفته است. از این‌رو، در این پژوهش اهداف زیر پی‌گیری می‌شوند، که عبارت‌اند از:

- ✓ بررسی رابطه خداآگاهی با خودآگاهی؛
- ✓ سنجش میزان پیش‌بینی خودآگاهی از روی نمره خداآگاهی، به‌عنوان عامل اثربخش؛
- ✓ بررسی چگونگی تأثیرگذاری افزایش سن و سطح دانش دین‌شناختی بر میزان خداآگاهی و خودآگاهی.

روش

روش پژوهش حاضر، از نوع همبستگی و پس‌رویدادی است. این روش عبارت است از درک الگوهای پیچیده روان‌شناختی از طریق مطالعه همبستگی بین این الگوها و متغیرهایی که فرض می‌شود بین آنها رابطه وجود دارد. این شیوه، به ویژه در شرایطی مفید است که هدف آن کشف رابطه بین متغیرهایی باشد که درباره آنها پژوهش‌هایی انجام نشده است.^{۶۳} برای تعیین احتمالی متغیر علی و سنجش میزان تأثیرگذاری متغیرها، به صورت پیش‌بینی میزان سهم متغیر پیش‌بین (خداآگاهی) با توجه به چارچوب نظری در متغیر ملاک (خودآگاهی)، از روش رگرسیون استفاده می‌شود.

جامعه و نمونه آماری: جامعه آماری این پژوهش را دانش‌پژوهان مقطع کارشناسی (سال تحصیلی ۱۳۸۹-۱۳۹۰) موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^{۶۴} تشکیل می‌دهند، که ۵۳۵ نفر مرد می‌باشند. حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان،^{۶۴} تعداد ۲۲۵ نفر نمونه تعیین گردید؛^{۶۵} که به روش تصادفی خوشه‌ای با واحد نمونه گروه کلاس، از کلیه رشته‌ها نمونه‌گیری شد. میانگین سنی نمونه‌ها حدود ۲۸ سال و انحراف استاندارد ۳/۸۱ بوده و هم‌زمان با اشتغال به تحصیل در حوزه علمیه قم (سطح ۲ و ۳)، به یکی از رشته‌های علوم انسانی نیز مشغول بودند.

ابزارهای پژوهش: داده‌های پژوهش، از پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان به آزمون‌های زیر به دست آمد:

۱. آزمون «خداآگاهی»: این آزمون به پشتوانه تحلیل‌های نظری و دین‌شناختی سازه خداآگاهی و آموزه‌های وحیانی و مستندات اسلامی (قرآنی و حدیثی) جامع‌نگر، و با رعایت اصول آزمون‌سازی در سال ۱۳۹۰ توسط نورعلی‌زاده میانجی، در ۲۵ ماده به صورت چهاردرجه‌ای لیکرتی تهیه شد و در فرایند روایی‌سنجی (به شیوه روایی محتوایی و صوری، طبق کارشناسی متخصصان در حوزه دینی و

روان شناسی و روایی سازه یا ساختی) و اعتباریابی (به شیوه باز آزمایی ($p < 0/01$ ، $r = 0/77$)، همسانی درونی آلفای کرونباخ ($0/90$) و دونیمه سازی (با ضریب اسپرمن - براون و گاتمن: $0/91$)، از اعتبار^{۶۶} و روایی^{۶۷} رضایت بخش و در سطح بالایی برخوردار بود و هریک از گزاره ها با نمره کل، همبستگی معنادار بالایی داشتند.^{۶۸}

۲. **مقیاس «خودشناسی انسجامی»:** برای سنجش متغیر خود آگاهی، از مقیاس خودشناسی انسجامی^{۶۹} - که قربانی، واتسون^{۷۰} و هرگیس^{۷۱} در سال ۲۰۰۸م آن را تهیه کرده اند - استفاده شد. این مقیاس، محصول بازنگری در فرم پیشین مبتنی بر نظریه دو وجه خودشناسی تجربه ای و تأملی ساخته شده توسط قربانی و دیگران (۲۰۰۳) است، که هر دو وجه را به صورت منسجم با دوازده گویه در مقیاس پنج درجه ای لیکرتی، مورد سنجش قرار می دهد.

بررسی های میان فرهنگی در ایران و آمریکا حکایت از روایی سازه و ملاک (همگرا، افتراقی و افزایشی (پیش بین) با مقیاس هایی چون حرمت خود، خود هشیاری شخصی، خود تأملی، آگاهی نسبت به خود، و بهشیاری) این مقیاس دارد. در بررسی اعتبار این مقیاس در نمونه های ایرانی، آلفای کرونباخ $0/81$ به دست آمد.^{۷۲} در پژوهشی دیگر، آلفای کرونباخ این مقیاس $0/84$ گزارش شده است.^{۷۳} برای تجزیه و تحلیل داده های آماری، از چندین شاخص آمار استنباطی، چون «ضریب همبستگی پیرسون»،^{۷۴} «رگرسیون»^{۷۵} و «آزمون t مستقل»^{۷۶} استفاده شد.

یافته ها

تجزیه و تحلیل داده های آماری بر اساس ضریب همبستگی پیرسون بین خدا آگاهی (با میانگین نمرات $77/67$ و انحراف استاندارد $9/35$) و خود آگاهی (با میانگین نمرات $33/34$ و انحراف استاندارد $7/9$) نشان داد که بین این دو متغیر، ارتباط معنادار مثبت ($p < 0/01$ ، $r = 0/309$) وجود دارد.

به منظور به دست آوردن میزان توان پیش بینی خود آگاهی (متغیر ملاک) از روی نمره خدا آگاهی (متغیر پیش بین) از روش تحلیل رگرسیون استفاده شد. جدول ۱ نشان می دهد که خدا آگاهی به گونه ای معنادار با توان ($p < 0/001$ ، $\beta = 0/309$) خود آگاهی را پیش بینی می کند.

جدول ۱: نتایج تحلیل رگرسیون

متغیر پیش بین	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد		سطح معناداری
	B	خطای معیار	Beta	R2	
خدا آگاهی	0/261	0/054	0/309	0/095	0/001

برای بررسی این مسئله که میزان سن و سطح تحصیلات آزمودنی ها تا چه اندازه می تواند بر نمره خدا آگاهی و خود آگاهی آنان تأثیر بگذارد و آیا گروه های مختلف در این دو متغیر با هم متفاوت اند یا نه، یافته ها نشان داد که مقایسه میانگین های دو گروه سنی ($20-28$) و ($29-37$) با درصد فراوانی به ترتیب $57/9$ و $42/1$ ، در متغیر خدا آگاهی، معنادار نیست؛ اما در متغیر خود آگاهی، معنادار ($p < 0/05$)، $t = -2/142$ می باشد. با افزایش سن، میزان خود آگاهی افراد نیز افزایش می یابد.

جدول ۲: مقایسه گروه های سنی از نظر میزان خدا آگاهی و خود آگاهی

متغیر	آزمون t برای مقایسه میانگین ها			
	T	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین
خدا آگاهی	-0/900	212	0/369	-1/150
خود آگاهی	-2/142	212	0/033	-2/306

همچنین یافته ها نشان داد که مقایسه میانگین نمرات خدا آگاهی ($p < 0/05$ و $t = -2/142$) و خود آگاهی ($p < 0/01$ و $t = -2/143$) دو گروه تحصیلی علوم اسلامی (سطح ۲ و ۳ حوزه، با درصد فراوانی به ترتیب $51/9$ و $48/1$) معنادار است. بنابراین، چنان که پیش بینی می شد، با افزایش سطح تحصیلات دین شناسی، میزان خدا آگاهی و خود آگاهی افراد نیز افزایش می یابد.

جدول ۳: مقایسه گروه های سطح تحصیلی از نظر میزان خدا آگاهی و خود آگاهی

متغیر	آزمون t برای مقایسه میانگین ها			
	t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین
خدا آگاهی	-2/142	212	0/033	-2/681
خود آگاهی	-2/143	212	0/009	-2/793

بحث و نتیجه گیری

به دنبال آزمون این فرضیه که «بین خدا آگاهی و خود آگاهی رابطه وجود دارد»، نتایج پژوهش حاضر آن را تأیید کرد. خدا آگاهی به میزان $0/309$ با خود آگاهی همبستگی مثبت و معنادار دارد. پس به این نتیجه می رسیم که با افزایش خدا آگاهی، میزان خود آگاهی افراد نیز افزایش می یابد. البته میزان ضریب همبستگی به دست آمده، با محدودیت ابزار سنجش دقیق خود آگاهی روبه رو بوده است؛ چراکه از «مقیاس خودشناسی انسجامی» به عنوان تنها مقیاس نسبتاً مطلوب موجود در حوزه خدا آگاهی استفاده شده است. طبیعی است که اگر مقیاس دقیق تر و مبتنی بر مبانی نظری مورد قبول یافت می شد، میزان ارتباط بیشتری به دست می آمد.

در میان پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه‌های مرتبط و نزدیک به مفاهیم خدا آگاهی و خود آگاهی، شواهدی وجود دارد که این یافته را تأیید می‌کند. مطالعات نشان داده است که کیفیت تصور از خدا یا خدا نگاره افراد، با خدا نگاره و چگونگی تصور از خود (خود پنداشت)، ویژگی‌های شخصیتی و کارکردهای روان‌شناختی مرتبط با خود، مانند حرمت خود همبستگی دارد. از جمله این پژوهش‌ها، می‌توان به مطالعات مک‌دارگ (۱۹۸۳) و لارنس (۱۹۹۷)، گرنکوویس (۲۰۰۲) و کرک پاتریک (۱۹۹۸)^{۷۸} و (۱۹۹۹)،^{۷۹} اسچاپ - جانکر و همکاران (۲۰۰۲)،^{۸۰} ریان (۲۰۰۱)،^{۸۱} بنسون و اسپیلکا (۱۹۷۳)،^{۸۲} اسپیلکا و دیگران (۱۹۷۵)،^{۸۳} تیزدل و همکاران (۱۹۹۷)^{۸۴} و صادقی و همکاران^{۸۵} اشاره کرد.

نتایج پژوهش حاضر، همسو با آموزه‌های اسلامی است که بر ارتباط اساسی و تلازم بین خدا آگاهی و خود آگاهی تأکید دارد.^{۸۶} این آموزه‌ها فراتر از آن، از ارتباط ازلی، عمیق و دائمی بین «خود» و «خدا»،^{۸۷} شدت نزدیکی، حضور قیومی و پیوستگی تعلقی^{۸۸} و اصل «روح الهی» انسان^{۸۹} سخن به میان می‌آورد. از آنجاکه «خود» محوری‌ترین بخش در روان انسان می‌باشد که همواره به‌عنوان اساس کنش‌وری بهینه شخصیت در نظر گرفته شده است، خود آگاهی نیز به‌عنوان سازه‌ای مهم در شخصیت، نقش اساسی در کارکردهای روان‌شناختی داشته است. بنابراین، نتیجه این پژوهش در ارتباط بین خدا آگاهی و خود آگاهی، نشان از جایگاه ارزشمند روان‌شناختی سازه «خدا آگاهی» یا به عبارتی دیگر، «خود آگاهی خدا آگاهانه»، به‌عنوان عامل مهم وحدت و توحید، در کنش‌وری بهتر خود و انسجام‌یابی و توحید یافتگی شخصیت دارد.

این نتیجه، با توجه به این تحلیل از خدا آگاهی در ارتباط با جهت‌گیری مذهبی درونی، روشن می‌شود که از سویی، خدا آگاهی به‌عنوان اساسی‌ترین مؤلفه دین، شاکله اصلی دین‌داری را تشکیل می‌دهد و در درونی‌ترین و پایدارترین اشکال دین‌داری یافت می‌شود. برای نمونه، از جمله مواد جهت‌گیری درونی که آلپورت ترسیم می‌کند، «اغلب به‌شدت از حضور خدا یا وجود الهی آگاه بوده‌ام» می‌باشد.^{۹۰} لارنس نیز (۱۹۹۷) نشان داد که خدا نگاره، به‌ویژه عامل حضور خدا، بالاترین هم‌بستگی (۰/۸۲) را با جهت‌گیری مذهبی درونی دارد. از سوی دیگر، نتایج به دست آمده از پژوهش‌هایی، چون، آلپورت و راس (۱۹۶۷)،^{۹۱} کرک پاتریک (۱۹۸۹م)، گرینوی و همکارانش (۲۰۰۳)،^{۹۲} قربانی و همکارانش (۲۰۰۲)،^{۹۳} تقی‌یاره و همکارانش،^{۹۴} جلالی‌تهرانی (۱۳۸۳)،^{۹۵} شریفی‌نیا^{۹۶} و کیومرثی،^{۹۶} نشان‌دهنده ارتباط جهت‌گیری مذهبی درونی با خود آگاهی و کارکردهای مهم روان‌شناختی و شخصیتی، از جمله تحول، انسجام، یک‌پارچگی و توحید یافتگی شخصیت است. آلپورت (۱۹۶۰)

به‌وضوح بیان می‌کند که ویژگی‌های شخصیتی چون خود آگاهی، در جهت‌گیری مذهبی درونی وجود دارد.^{۹۷} بنابراین، وقتی فرد به این هسته مرکزی شخصیت خود که در واقع جدا از خدا نیست و جلوه‌ای از انوار الاهی است، آگاه شود و به او تقرب یابد، به سازمان‌یابی، توحید یافتگی و انسجام شخصیت که از کارکردهای مهم خود آگاهی است، دست می‌یابد. این‌گونه افراد خدا آگاه، به این سطح از خود آگاهی می‌رسند که ابعاد وجودی خود را به‌صورت گسترده کنکاش کنند و همه ابعاد روان‌شناختی خود، اعم از شناخت‌ها، هیجان‌ها و رفتارها، و در نتیجه گرایش‌ها، احساس‌ها و کارکردهای خود را مطابق با شاکله و شخصیت جهت‌یافته در مسیر توحید، شکل و گسترش دهند و فعال سازند.

همچنین به‌منظور بررسی نقش خدا آگاهی در تبیین خود آگاهی، نتایج به‌دست آمده، فرضیه دیگر این پژوهش را که «خدا آگاهی قدرت پیش‌بینی خود آگاهی را، به‌عنوان عامل اثربخش دارد»، تأیید کرد. به‌منظور جست‌وجوی این مسئله که تغییر در متغیر پیش‌بین (خدا آگاهی) چگونه بر مقادیر متغیر ملاک (خود آگاهی) تأثیر می‌گذارد، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که خدا آگاهی به‌طور معنادار توان پیش‌بینی خود آگاهی را دارد؛ بدین معنا که دست‌کم بخشی از تغییرات در میزان خود آگاهی افراد، تحت تأثیر میزان خدا آگاهی آنان خواهد بود. بنابراین، خدا آگاهی به‌عنوان عاملی اثربخش در خود آگاهی است و افزایش میزان خدا آگاهی، میزان خود آگاهی را نیز افزایش می‌دهد. شواهدی در دست است که نتایج این پژوهش را تأیید می‌کند. پژوهش‌های متعدد حدادی کوهسار و غباری بناب (۱۳۸۸ و ۲۰۱۰)، ریان (۲۰۰۱م) و فلائلی و همکاران (۲۰۰۹م) نشان داد که چگونگی توصیف خدا، به همان‌گونه بر خود نیز تأثیر داشته است. نوع پنداشت از خود و به‌تبع آن، آثار روان‌شناختی این تصویرسازی، از کیفیت انگاره افراد از خدا قابل پیش‌بینی است.^{۹۸}

با وجود محدودیت‌های تبیین علی پژوهش تجربی کنونی، آموزه‌های وحیانی اسلامی ما را به این نتیجه رهنمون می‌کنند که «خود آگاهی»، به معنای واقعی، فرع بر «خدا آگاهی» است.^{۹۹} آنجا که در این آیه شریفه می‌فرماید: «همچون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خدا نیز آنها را به خود فراموشی گرفتار کرد؛ آنها فاسقان‌اند.»^{۱۰۰} این آیه درصدد بیان چگونگی رابطه خدا آگاهی با خود آگاهی به‌صورت تأکیدی و عبارت معکوس آن است. سبب خودنا آگاهی، خدا نا آگاهی است؛^{۱۰۱} زیرا وقتی انسان خدا را فراموش کند، اسمای حسنی و صفات علیای او را - که صفات ذاتی انسان با آن ارتباط مستقیم دارد - نیز فراموش می‌کند.^{۱۰۲} در واقع، انسان وقتی که صفات الاهی را در خود می‌یابد، به تمام معنا انسان می‌شود؛ اما اگر از خدا بیگانه شود، وجود خدایی و ارتباط دائمی و عمیقش را با او، به بوتّه

فراموشی می سپارد. بنابراین، این آموزه، اساسی‌ترین مسیر برای ایجاد و بقای خود آگاهی را «خدا آگاهی» معرفی می‌کند. در حقیقت، عملکرد درست خود آگاهی در سازش‌یافتگی، کنش‌وری و بهزیستی روانی، در گرو «خدا آگاهی» است.

پس آگاهی به خدا مستلزم آگاهی بیشتر از خود است؛ یعنی انسان هر چه بیشتر در ذکر خدا فرو رود و توجهش به او بیشتر شود، خود را بهتر می‌شناسد و به مراتب عالی خود آگاهی می‌رسد.^{۱۰۳} در مقابل، خدا نا آگاهی اثری معکوس بر خود خواهد گذاشت. در واقع، غفلت از خدا (خدا نا آگاهی) با ایجاد اختلال در نظام شناختی و هشیاری،^{۱۰۴} موجب ناکارآمدی فرایندهای خود آگاهی و در نتیجه، دیگر نظام‌های روان‌شناختی می‌شود.^{۱۰۵} به همین علت، فرد از رشد یافتگی و کمال باز می‌ماند؛ حال آن که خدا آگاهی و ذکر الاهی است که موجب رستگاری و دستیابی به خیر با حصول سلامتی است.^{۱۰۶} بنا بر همین رابطه غفلت و نا آگاهی با ناخود آگاهی است که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «از غفلت پرهیزید؛ همانا هر کس غفلت کند، در حقیقت از خویشتن غافل شده است.»^{۱۰۷}

یکی دیگر از مسائلی که در این پژوهش دنبال می‌شد، بررسی چگونگی تأثیرگذاری ارتقای سطح دانش دین‌شناختی بر افزایش خدا آگاهی و خود آگاهی افراد بود. نتایج نشان داد که میانگین نمرات هر دو متغیر خدا آگاهی و خود آگاهی، در مقایسه تفاوت میانگین دو گروه سطح تحصیلات دینی حوزوی (سطح ۲ و ۳) به‌طور معنادار با هم متفاوت‌اند. بنابراین، چنان‌که انتظار می‌رفت، با افزایش سطح تحصیلات علوم اسلامی، میزان خدا آگاهی و خود آگاهی افراد نیز افزایش می‌یابد. با ارتقای سطح تحصیلی آزمودنی‌ها - که در سطوح علوم اسلامی در حوزه مشغول به تحصیل بودند - آگاهی و معارف آنها در زمینه‌های دین‌شناختی و خودشناختی نیز به‌طور طبیعی افزایش می‌یابد. همچنین به نظر می‌رسد با ارتقای سطح حوزوی، دین‌داری، درونی‌تر و پایدارتر می‌شود، که همین امر باعث افزایش خدا آگاهی و خود آگاهی آنان می‌گردد. این موضوع با توجه به پژوهش‌هایی چون جیمز،^{۱۰۸} آلپورت (۱۹۶۰)^{۱۰۹} و قربانی و همکاران (۲۰۰۲)^{۱۱۰} که مراتب بالای خدا آگاهی و خود آگاهی را در سالم‌ترین اشکال دین‌داری درونی رصد کردند، تأیید می‌شود.

در نتیجه‌گیری نهایی، باید خاطر نشان ساخت که سازه «خدا آگاهی» در کنار «خود آگاهی»، به‌عنوان سازه‌ای اثربخش بر «خود» که هسته مرکزی سیستم روانی و محور شخصیت انسان است اهمیت زیادی دارد. بین خدا آگاهی و خود آگاهی، رابطه تلازم وجود داشته، خدا آگاهی به‌عنوان عامل پیش‌بین، در میزان خود آگاهی نقش دارد. البته طبق آیات و حیانی، اساساً خود آگاهی به‌معنای واقعی، بدون

خود آگاهی امکان‌پذیر نیست؛ بلکه خدا فراموشی، مستلزم خود فراموشی است؛ زیرا خود انسانی، هویت الاهی دارد و همیشه با خداوند حاضر قیوم در ارتباط است. بنابراین، گسست پیوستگی با خدا مساوی با ناخود آگاهی است.

نتایج پژوهش حاضر می‌تواند روشن‌کننده دست‌کم بخشی از حلقه‌های گم‌شده در تبیین مکانیسم عمل و آثار روان‌شناختی دین‌داری باشد. به نظر می‌رسد، از جمله این حلقه‌های مهم، سازه «خدا آگاهی» و از مسیر «خود آگاهی» است. «خدا آگاهی» از طریق اثرگذاری بر «خود آگاهی» و در نتیجه بر «خود» انسانی، تأثیرات بسیار عمیقی را بر شخصیت و کارکردهای روان‌شناختی می‌گذارد. مکانیسم اثر آنها، از طریق «آگاهی» اتفاق می‌افتد.^{۱۱۱} رشد و تعالی، و وحدت و یک‌پارچگی شخصیت و بهزیستی روانی، در گرو وسعت مداوم آگاهی^{۱۱۲} و حالت «ذکر»^{۱۱۳} (به تعبیر دین‌شناختی) است. از این‌رو، «خدا آگاهی» به‌عنوان عامل بنیادین وحدت، در رأس سازمان روانی انسان، فرایند «خود آگاهی» را جهت کنش‌وری بهتر «خود» در انسجام، یک‌پارچگی و توحید یافتگی شخصیت، تحت تأثیر و رهبری خود قرار می‌دهد.^{۱۱۴} سازش‌یافتگی روانی و کنش‌وری بهتر رفتاری نیز در سطح مطلوب خود، مرهون همین فرایند خواهد بود.^{۱۱۵} همین انسجام و تعادل در نظام روانی است که چنین سیستمی را در جهت خودنظم‌بخشی هدایت می‌کند و در نتیجه، شناخت‌ها، احساس‌ها و رفتارهای فرد را تحت کنترل خود در می‌آورد.

نتایج این پژوهش می‌تواند مبنای پژوهش‌های کاربردی به‌صورت بسته‌های درمانی - کلینیکی و آموزشی - مهارتی قرار گیرند. جهت‌گیری در روان‌شناسی مرضی و بالینی، با توجه به نتایج به‌دست‌آمده و تدوین مهارت خود آگاهی خدا آگاهانه و آموزش آنها در مراکز، گام مؤثری در جهت تأمین بهداشت روانی، تربیت دینی و تحکیم و ارتقای سطح دین‌داری افراد جامعه خواهد بود.

1. Robins.
2. Self-awareness.
۳. نیما قربانی و پل جی. واتسون، *فرایندهای خودشناختی و نظام‌های پردازش خبر عقلانی و تجربه‌های ایران و آمریکا*، ص ۴؛ Nima Ghorbani, & etal, Philosophy, self-knowledge, and personality in Iranian teachers & students of philosophy, *The journal of psychology*, p: 81.
4. C. G. Jung, (1875-1961).
5. Rogers, C.
6. G., Allport, (1897-1967).
۷. دوان شولتز، *روان‌شناسی کمال: الگوهای شخصیت سالم*، ترجمه، گیتی خوشدل، ص ۱۳۶.
8. self-esteem.
9. self-regulation.
۱۰. جس فیست و گریگوری جی. فیست، *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه یحیی سیدمحمدی، ص ۱۳۵ و ۴۹۵؛ دوان شولتز، *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه یوسف کریمی و همکاران، ص ۳۹۲؛ محمدباقر مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۶۷، ص ۴۴؛ ناصر آقابابایی و همکاران، *تقابل فرایندهای خودشناختی با آستانه‌گذاری*، ص ۵۶؛ رضا پورحسین، *روان‌شناسی خود*، ص ۱۰؛ نیما قربانی و پل جی. واتسون، همان، ص ۴؛ محمدتقی تیبیک، «ارتباط پنج عامل بزرگ شخصیت و فرایندهای خودشناختی با طبقه‌بندی توانمندی‌های خوی در روان‌شناسی مثبت»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، ص ۶۹؛ Gregory C. Ashley, *Scale development and validation*, p: 1.
11. Integrative Self-knowledge.
12. Self-awareness.
13. Self-consciousness.
14. Fenigstein.
15. Mindfulness.
16. Self-reflection.
۱۷. رک: نیما قربانی و پل جی. واتسون، همان؛ مرتضی لطیفیان و دیبا سیف، «بررسی تأثیر خودآگاهی بر اختلالات روابط بین فردی دانشجویان»، *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، ش ۳، ۱۳۸۶، ص ۱۳۸؛ به نقل از: هارتر (Harter)، ۱۹۹۹م؛ ژوزف سیاروچی و همکاران، *هوش عاطفی در زندگی روزمره*، ترجمه اصغر نوری امامزاده‌ای و حبیب‌الله نصیری، ص ۱۴۵؛ به نقل از: گلمن (Golman)، ۱۹۹۵م.
18. Nima Ghorbani, & etal, Integrative self-knowledge scale: correlation and incremental validity of a cross-cultural measure developed in Iran and the United states, *The journal of psychology*, p: 405.
19. Gregory C. Ashley, Ibid.
20. Self-regulated behavior.
21. Positive emotional states.
22. Kirk Warren Brown and Richard M. Ryan, The Benefits of Being Present: Mindfulness and Its Role in Psychological Well-Being, *Journal of Personality and Social Psychology*, p: 822.
۲۳. خدیجه شاه‌محمدی و همکاران، «نقش خودشناسی در تنیدگی، سبک‌های دفاعی و سلامت جسمانی»، *روان‌شناسان ایرانی*، ش ۱۰، ۱۳۸۵، ص ۱۴۶.
24. God-Awareness.

۲۵. حشر: ۱۹.

۲۶. بقره: ۱۵۶.

۲۷. رعد: ۱۶؛ ق: ۱۶؛ انفال: ۲۴.
۲۸. حشر: ۲۹.
۲۹. مسعود آذربایجانی و سیدمهدی موسوی‌اصل، *درآمدی بر روان‌شناسی دین*، ص ۱۱۱.
۳۰. بقره: ۱۵۲.
۳۱. رک: دیوید ام وولف، *روانشناسی دین*، ترجمه محمود دهقانی، ص ۷۸۹، ۷۹۶.
32. S. Kierkegaard, (1813-1855).
33. W. James, (1842-1910).
34. V. E. Frankl, (1905-1997).
۳۵. ویلیام جیمز، *دین و روان*، ترجمه مهدی قائنی، ص ۱۷۷؛ کارل یونگ، *روان‌شناسی و دین*، ترجمه فؤاد روحانی، ص ۱۱۳-۱۱۵ و ۱۶۳ و ۱۷۴؛ مسعود آذربایجانی و سیدمهدی موسوی‌اصل، همان، ص ۶۶؛ احمدرضا محمدپور، *ویکتور فرانکل بنیانگذار معنادرمانی*، ص ۱۷۹؛ محمدحسین شریفی‌نیا، *درمان یکپارچه توحیدی رویکردی دینی در درمان اختلالات روانی*، ص ۷۲؛ به نقل از کربت (Corbett)، ۱۹۹۶.
۳۶. مرتضی مطهری، *مجموعه آثار (انسان کامل)*، ج ۲۳، ص ۳۱۵.
۳۷. حشر: ۱۹.
۳۸. مرتضی مطهری، همان، ص ۳۱۳.
۳۹. کارل تورسین و همکاران، «معنویت، دین و بهداشت - شواهد، موضوعات و علائق»، ترجمه احمدرضا جلیلی، *فصلنامه نقد و نظر*، ش ۳۳ و ۳۴، ۱۳۸۳، ص ۱۶۸.
40. God image.
۴۱. به عنوان نمونه ر. ک: آلن کار، *روان‌شناسی مثبت: علم شادمانی و نیرومندی‌های انسان*، ترجمه حسن پاشا شریفی و همکاران، ص ۴۰۹.
۴۲. فاطمه تقی‌یاره و همکاران، «بررسی ارتباط سطح تحول من، دلبستگی به خدا و جهت‌گیری مذهبی در دانشجویان»، *روان‌شناسی*، ش ۱، ۱۳۸۴، ص ۳ و ۱۶.
۴۳. محمد خدایاری‌فرد و همکاران، «گستره پژوهش‌های روان‌شناختی در حوزه دین»، *فصلنامه اندیشه و رفتار*، ش ۴، ۱۳۸۰، ص ۲۵؛ به نقل از: مالتبی، ۱۹۹۵م.
۴۴. مهدی شیری، «رابطه توکل به خدا و صفات شخصیتی بر اساس تست NEO-FFI»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، ص ۳.
۴۵. محمدصادق شجاعی، «رابطه میزان توکل به خدا با حرمت خود دانش پژوهان مؤسسات آموزشی و پژوهشی استان قم»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، ص ۱۴۲.
۴۶. راضیه نصیرزاده و کاظم رسول زاده طباطبایی، «بررسی رابطه باورهای مذهبی با راهبردهای مقابله با تنیدگی در دانشجویان»، *افق دانش: فصلنامه دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی گناباد*، ش ۲، ۱۳۸۸، ص ۳۶.
۴۷. محمودرضا بزرگی، «ارتباط میان سبک‌های دلبستگی به خدا، صبر و عزت نفس»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، ص ۵؛ به نقل از: گرنکوویس، ۲۰۰۲م و کرک پاتریک، ۱۹۹۹م.
48. Hoffman and et.al, *The God image, the God concept, and attachment*, Paper presented at the Christian Association for Psychological Studies International Conference, St. Petersburg.

۸۱. به نقل از: محمدصادق شجاعی، همان، ص ۷۷.
۸۲. به نقل از: منصوره‌سادات صادقی و همکاران، همان، ص ۸۵.
۸۳. به نقل از: محمدرضا کیومرثی، همان، ص ۶۸.
۸۴. به نقل از: باقر غباری بناب و علی‌اکبر حدادی کوهسار، همان، ص ۸۵.
۸۵. منصوره‌سادات صادقی و همکاران، همان، ص ۸۳.
۸۶. حشر: ۱۹؛ حسن بن شعبه الحرانی، *تحف العقول عن آل الرسول*، ص ۳۲۸؛ شیخ صدوق، *التوحید*، ص ۱۴۲؛ محمدباقر مجلسی، همان، ج ۲، ص ۳۲.
۸۷. بقره: ۱۵۶؛ مائده: ۱۰۵.
۸۸. رعد: ۱۶، ق: ۱۶، انفال: ۲۴.
۸۹. حجر: ۲۹؛ محمدبن یعقوب کلینی، *الکافی*، ج ۱، ص ۱۳۴.
۹۰. دیوید وولف، *روانشناسی دین*، ترجمه محمد دهقانی، ص ۳۳۸.
۹۱. به نقل از: محمدحسین شریفی‌نیا، همان، ص ۶۸.
92. Phillip Greenway and et.al, opcit, p: 45.
۹۳. فاطمه تقی‌یاره و همکاران، همان، ص ۳.
۹۴. سیدمحمدحسین جلالی تهرانی، *توحیددرمانی*، ترجمه علی‌رضا شیخ‌شعاعی، ص ۱۹ و ۲۱.
۹۵. محمدحسین شریفی‌نیا، همان، ص ۶۸.
۹۶. محمدرضا کیومرثی، همان، ص ۵۹.
۹۷. مسعود آذربایجانی و سیدمهدی موسوی‌اصل، همان، ص ۱۱۱.
98. Bagher Ghojari Bonab & Ali Akbar Haddadi Koohsar, Relation between image of God with hostility and interpersonal sensitivity in college students, *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 5, p: 970;
- علی‌اکبر حدادی کوهسار و باقر غباری بناب، همان، ص ۷۳.
۹۹. مرتضی مطهری، *مجموعه آثار (انسان کامل)*، ج ۲۳، ص ۳۱۵.
۱۰۰. حشر: ۱۹.
۱۰۱. واژه «نسیان» به معنای یادزدودگی و زایل شدن صورت معلوم از صفحه خاطر است، البته بعد از آنکه در صفحه خاطر نقش بسته بود. ولی در استعمال این کلمه توسعه دادند (مانند: آیه ۳۴ جاثیه) و در مطلق روگردانی از چیزی که قبلاً مورد توجه بوده، نیز به کار می‌رود. سیدمحمدحسین طباطبایی، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۱۹، ص ۲۱۹. مجلسی نیز از قول بیضاوی می‌نویسد: «فراموشی خدا، یعنی غفلت از ذکر و یاد خدا و دوری از اطاعت اوست» (محمدباقر مجلسی، همان، ج ۴، ص ۶۴) با توجه به «اذکر ربک اذا نسیت»؛ (کهف: ۲۴) ذکر در مقابل نسیان است. بنابر این همچنانکه «ذکر» به معنای آگاهی و هشجاری و «غفلت» به معنای بی‌توجهی، بی‌اعتنایی و ناآگاهی است (جبران مسعود، الرائد: *فرهنگ الفبایی عربی - فارسی*، ترجمه رضا انزابی‌نژاد، ج ۲، ص ۱۲۵۸)؛ در مقابل منظور از «فراموشی» در این آیه «ناآگاهی» است. همچنین رک: سیدمحمدحسین طباطبایی، همان، ج ۱، ص ۳۳۹.
۱۰۲. سیدمحمدحسین طباطبایی، همان، ج ۱۹، ص ۲۱۹.

49. Lawrence, R. T.
50. Richard Lawrence, Measuring the image of God: The God image inventory and the God image scales, *Journal of Psychology and Theology*, p: 223.
51. Hanneke Schaap-Jonker and et.al, Image of God and personality pathology: An exploratory study among psychiatric patients, *Mental Health, Religion & Culture*, p: 55.
52. Ryan, R. J.
۵۳. محمدصادق شجاعی، *توکل به خدا راهی به سوی حرمت خود و سلامت روان*، ص ۷۷.
54. Phillip Greenway and et.al, Personality variables, self-esteem and depression and an individual's perception of God, *Mental Health, Religion & Culture*, p: 45.
55. Phillip Greenway and et.al, Ibid.
56. Benson & Spilka.
۵۷. به نقل از: منصوره‌سادات صادقی و همکاران، «والدین، خود و دیگران مهم: منابع تصور از خدا»، *مجله علوم رفتار*، ش ۱، ۱۳۸۷، ص ۸۵.
۵۸. به نقل از: باقر غباری بناب و علی‌اکبر حدادی کوهسار، «رابطه تصویر ذهنی از خدا با خصومت و حساسیت در روابط بین‌فردی در دانشجویان»، *علوم شناختی*، ش ۳۳، ۱۳۸۹، ص ۸۵.
۵۹. محمد اقبال لاهوری، *احیای فکر دینی در اسلام*، ترجمه احمد آرام، ص ۱۰۴.
۶۰. عصمت دانش، «تأثیر خودشناسی اسلامی در افزایش میزان سازگاری زناشویی»، *تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، ش ۱۱، ص ۸.
۶۱. مرتضی مطهری، *مجموعه آثار (انسان در قرآن)*، ج ۲، ص ۳۲۰.
۶۲. مسعود آذربایجانی و سیدمهدی موسوی‌اصل، همان، ص ۱۱۱.
۶۳. علی دلاور، *مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی*، ص ۱۹۹-۲۰۳.
64. Morgan.
۶۵. احمد بیانی، *روش‌های تحقیق و سنجش در علوم تربیتی و روان‌شناسی*، ص ۱۷۸.
66. reliability.
67. validity.
۶۸. مسعود نورعلیزاده میانجی، «رابطه خدا آگاهی با خود آگاهی»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، ص ۱۶۴.
69. scale integrative self-knowledge.
70. Watson, P. J.
71. Hargis, M. B.
72. Nima Ghorbani, & et al, opcit, p. 395.
۷۳. خدیجه شاه‌محمدی و همکاران، همان، ص ۱۵۰.
74. Pearson correlation coefficient.
75. regression.
76. independent samples test.
77. Richard Lawrence, opcit, p 223.
۷۸. به نقل از: سیدحسین علیانسنب، «بررسی رابطه کیفیت دلبستگی به خدا، تصویر ذهنی از خدا و اضطراب مرگ» پایان‌نامه‌که ارشد، ص ۹۴.
۷۹. به نقل از: محمودرضا بزرگی، همان، ص ۵.
80. Hanneke Schaap-Jonker and et.al, opcit, p: 55.

منابع

- آذربایجانی، مسعود و سید مهدی موسوی اصل، *درآمدی بر روان‌شناسی دین*، تهران، سمت و قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵.
- آقابابایی، ناصر و همکاران، «تقابل فرایندهای خودشناختی با آستانه‌گذری» *روان‌شناسی و دین*، سال ۴، ش ۱، ۱۳۹۰، ص ۶۹-۵۵.
- اقبال لاهوری، محمد، *احیای فکر دینی در اسلام*، ترجمه احمد آرام، تهران، کانون نشر و پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۴۶.
- براندن، ناتانیل، *روان‌شناسی عزت نفس*، ترجمه مهدی قراچه‌داغی، تهران، نخستین، ۱۳۷۹.
- بزرگی، محمودرضا، «ارتباط میان سبک‌های دلبستگی به خدا، صبر و عزت نفس»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
- بیانی، احمد، *روش‌های تحقیق و سنجش در علوم تربیتی و روان‌شناسی*، تهران، رهیافت، ۱۳۷۸.
- پورحسین، رضا، *روان‌شناسی خود*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۳.
- تبیك، محمدتقی، «ارتباط پنج عامل بزرگ شخصیت و فرایندهای خودشناختی با طبقه‌بندی توانمندی‌های خوی در روان‌شناسی مثبت»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه تهران، ۱۳۸۹.
- تقی‌یاره، فاطمه و همکاران، «بررسی ارتباط سطح تحول من، دلبستگی به خدا و جهت‌گیری مذهبی در دانشجویان»، *روان‌شناسی*، سال نهم، ش ۱ (پیاپی ۳۳)، بهار ۱۳۸۴، ص ۳-۲۱.
- تورسن، کارل ای و همکاران، «معنویت، دین و بهداشت - شواهد، موضوعات و علائق»، ترجمه احمد رضا جلیلی، *فصلنامه نقد و نظر* (دین و بهداشت روانی ۱)، ش ۳۳ و ۳۴، ۱۳۸۳، ص ۱۶۶-۲۱۶.
- جلالی تهرانی، سیدمحمدمحسن، «توحید درمانی»، ترجمه علی‌رضا شیخ شجاعی، *فصلنامه نقد و نظر* (دین و بهداشت روانی ۲)، سال ۹، ش ۳ و ۴ (پیاپی ۳۵ و ۳۶)، ۱۳۸۳، ص ۱۸-۴۶.
- جیمز، ویلیام، *دین و روان*، ترجمه مهدی قائمی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۳؛ و سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲.
- حدادی کوهسار، علی‌اکبر و باقر غباری‌بناب، «رابطه ابعاد سلامت روانی دانشجویان با انگاره ذهنی آنان از خدا»، چکیده مقالات دومین همایش سراسری نقش دین در بهداشت روان، تهران، دانشگاه علوم پزشکی ایران، ۱۳۸۶، ص ۷۳.
- خداپاری‌فرد، محمد و همکاران، «گستره پژوهش‌های روان‌شناختی در حوزه دین»، *فصلنامه اندیشه و رفتار*، سال ۶، ش ۴، ۱۳۸۰، ص ۳۳-۳۹.
- دانش، عصمت، «تأثیر خودشناسی اسلامی در افزایش میزان سازگاری زناشویی»، *تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، سال ۳، ش ۱۱، ص ۸-۳۰.
- دلور، علی، *مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی*، تهران، رشد، ۱۳۸۰.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، دمشق - بیروت، دارالعلم الدار الشامیه، ۱۴۱۲ ق.
- سیاروچی، ژوزف و همکاران، *هوش عاطفی در زندگی روزمره*، ترجمه اصغر نوری امامزاده‌ای و حبیب‌الله نصیری، تهران، نوشته، ۱۳۸۳.
- شاه‌محمدی، خدیجه، و همکاران، «نقش خودشناسی در تئیدگی، سبک‌های دفاعی و سلامت جسمانی»، *روان‌شناسان ایرانی*، سال ۳، ش ۱۰، ۱۳۸۵، ص ۱۴۵-۱۵۶.
- شجاعی، محمدصادق، «رابطه میزان توکل به خدا با حرمت خود دانش پژوهان مؤسسات آموزشی و پژوهشی استان قم»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، قم، مؤسسه امام خمینی (ره)، ۱۳۸۲.

۱۰۳. مرتضی مطهری، همان.

۱۰۴. *وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَّا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَّا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَّا يَسْمَعُونَ بِهَا، أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ*؛ به یقین، گروه بسیاری از جن و انس را برای دوزخ آفریدیم، آنها دل‌ها [عقل‌ها] بی دارند که با آن (اندیشه نمی‌کنند، و) نمی‌فهمند و چشمانی که با آن نمی‌بینند و گوش‌هایی که با آن نمی‌شنوند، آنها همچون چهارپایانند بلکه گمراهتر! اینان همان غافلند (چرا که با داشتن همه‌گونه امکانات هدایت، باز هم گمراهند!) (اعراف: ۱۷۹؛ رک: نحل: ۱۰۸).

۱۰۵. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۴، ص ۶۴ و ج ۶۹، ص ۲۲۷.

۱۰۶. حشر: ۲۰؛ سیدمحمدحسین طباطبایی، همان، ص ۲۲۰.

۱۰۷. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۶۹، ص ۲۲۷.

۱۰۸. به نقل از: محمد اقبال لاهوری، همان، ص ۱۰۵.

۱۰۹. به نقل از: مسعود آذربایجانی و سید مهدی موسوی اصل، همان، ص ۱۱۱.

۱۱۰. نیما قربانی و پل جی. واتسون، همان، ص ۵.

۱۱۱. رک: دوان شولتز، *نظریه‌های شخصیت*، ص ۱۴۱-۱۴۵؛ به نقل از یونگ، ۱۹۵۳م، ص ۱۷۱؛ و جس فیست و گریگوری جی.

فیست، *نظریه‌های شخصیت*، ص ۱۴۷.

۱۱۲. رضا پورحسین، *روان‌شناسی خود*، ص ۱۰.

۱۱۳. مطلق هشیاری، استحضار و توجه و تداوم حالت حضور و آگاهی را نیز ذکر می‌گویند (محمدتقی مصباح یزدی، *یاداو*

مشکات ۴)، (ص ۲۵۸). و نیز رک: حسین بن محمد راغب اصفهانی، *المفردات فی غریب القرآن*، ص ۳۲۸؛ سیدمحمدحسین

طباطبایی، همان، ج ۲، ص ۲۴۸؛ محمدتقی مصباح یزدی، *اخلاق در قرآن*، ج ۲، ص ۸۹.

۱۱۴. مسعود نورعلیزاده میانجی، همان، ص ۴۹ و ۱۱۵؛ و نیز رک: دیوید ام وولف، *روان‌شناسی دین*، ترجمه محمود دهقانی، ص

۷۹۶، ۷۸۹.

۱۱۵. ناتانیل براندن، *روان‌شناسی عزت نفس*، ترجمه مهدی قراچه‌داغی، ص ۴۵.

نصیرزاده، راضیه و کاظم رسول‌زاده طباطبایی، « بررسی رابطه باورهای مذهبی با راهبردهای مقابله با تنیدگی در دانشجویان»، *افتخ دانش: فصلنامه دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی گناباد*، سال ۱۵، ش ۲، ۱۳۸۸، ص ۳۶-۴۶.

نورعلیزاده میانجی، مسعود، « رابطه خدا آگاهی با خود آگاهی»، *پایان نامه کارشناسی ارشد*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۰.

وولف، دیوید ام.، *روان‌شناسی دین*، ترجمه محمد دهقانی، تهران، رشد، ۱۳۸۶.

یونگ، کارل گ، *روان‌شناسی و دین*، ترجمه فؤاد روحانی، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، ۱۳۷۳.

Ashley, G. C., Self-awareness: *Scale development and validation*, Unpublished master's thesis, University of Nebraska at Omaha, 2007.

Brown, K. W. & Ryan, R. M., The Benefits of Being Present: Mindfulness and Its Role in Psychological Well-Being, *Journal of Personality and Social Psychology*, 84 (4), 2003, p: 822-848.

Ghobari Bonab, Bagher & Haddadi Koohsar, Ali Akbar, Relation between image of God with hostility and interpersonal sensitivity in college students, *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 5, 2010, p: 970-974.

Ghorbani, N., Ghramaleki, A. F., & Watson, P. J., Philosophy, self-knowledge, and personality in Iranian teachers & students of philosophy, *The journal of psychology*, 139 (1), 2005, p: 81-95.

Ghorbani, N., Watson, P. J. & Hargis, M. B., Integrative self-knowledge scale: correlation and incremental validity of a cross-cultural measure developed in Iran and the United states, *The journal of psychology*, 142 (4), 2008, p: 395-412.

Greenway, A.P., Milne L.C., Clarke, V., Personality variables, self-esteem and depression and an individual's perception of God, *Mental Health, Religion & Culture*, 6, 1, 2003, p: 45-58.

Hoffman, L., Jones, T. T., Williams, F., & Dillard, K. S., *The God image, the God concept, and attachment*, Paper presented at the Christian Association for Psychological Studies International Conference, St. Petersburg, FL, 2004.

Lawrence, R. T., Measuring the image of God: The God image inventory and the God image scales, *Journal of Psychology and Theology*, 25, 1997, p: 214-226.

Schaap-Jonker, H., Eurelings-Bontekoe, E., Verhagen, P., & Zock, H., Image of God and personality pathology: An exploratory study among psychiatric patients, *Mental Health, Religion & Culture*, 5, 2002, p: 55-71.

— توکل به خدا راهی به سوی حرمت خود و سلامت روان، قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۳.

شریفی‌نیا، محمدحسین، « درمان یکپارچه توحیدی رویکردی دینی در درمان اختلالات روانی»، *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، سال ۳، ش ۴، ۱۳۸۸، ص ۶۵-۸۲.

شولتز، دوان، *روان‌شناسی کمال: الگوی شخصیت سالم*، ترجمه گیتی خوشدل، تهران، پیکان، ۱۳۸۰.

— *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه یوسف کریمی و دیگران، تهران، ارسباران، ۱۳۸۳.

شیری، مهدی، « رابطه توکل به خدا و صفات شخصیتی بر اساس تست NEO-FFI»، *پایان نامه کارشناسی ارشد*، قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۷.

صادقی، منصوره‌سادات و همکاران، « والدین، خود و دیگران مهم: منابع تصور از خدا»، *مجله علوم رفتاری*، سال ۲، ش ۱، ۱۳۸۷، ص ۸۳-۹۶.

طباطبایی، محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، اسماعیلیان، ۱۳۷۱.

علیانسب، سیدحسین، « بررسی رابطه کیفیت دلبستگی به خدا، تصویر ذهنی از خدا و اضطراب مرگ»، *پایان نامه کارشناسی ارشد*، قم، مؤسسه امام خمینی (ره)، ۱۳۸۷.

غباری بناب، باقر و علی‌اکبر حدادی کوهسار، « رابطه تصویر ذهنی از خدا با خصومت و حساسیت در روابط بین‌فردی در دانشجویان»، *علوم شناختی*، سال ۹، ش ۳۳، ۱۳۸۹، ص ۸۲-۹۸.

فیست، جس و فیست، گریگوری جی، *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران، نشر روان، ۱۳۸۶.

قربانی، نیما و واتسن، پی‌جی، « فرآیندهای خودشناختی و نظام‌های پردازش خبر عقلانی و تجربه‌ای در ایران و آمریکا»، *روان‌شناسان ایرانی*، سال ۲، ش ۵، پاییز ۱۳۸۴، ص ۳-۱۴.

کار، آلن، *روان‌شناسی مثبت: علم شادمانی و نیرومندی‌های انسان*، ترجمه حسن پاشا شریفی و همکاران، تهران، سخن، ۱۳۸۵.

کلینی، محمدبن یعقوب، *الکافی*، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۲.

کیومرثی، محمدرضا، « رابطه جهت‌گیری مذهبی با عوامل شخصیت»، *معرفت*، سال ۱۲، ش ۱۲ (پیاپی ۷۵)، ۱۳۸۲، ص ۵۹-۷۶.

لطیفیان، مرتضی و دیبا سیف، « بررسی تأثیر خود آگاهی بر اختلالات روابط بین فردی دانشجویان»، *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، سال ۲۶، ش ۳ (پیاپی ۵۲)، ۱۳۸۶، ص ۱۳۷-۱۵۰.

مجلسی، محمدباقر، *بحارالانوار*، بیروت، مؤسسه الوفا، ۱۴۰۴ق.

محسنی، نیک‌چهره، *ادراک خود: از کودکی تا بزرگسالی، دیدگاه‌ها، نظریه‌ها و کاربردهای تربیتی و درمانی*، تهران، بعثت، ۱۳۷۵.

محمدرضا، ویکتور امیل فرانکل *بنیانگذار معنا درمانی*، تهران، دانه، ۱۳۸۵.

مصباح یزدی، محمدتقی، *بر درگاه دوست: یاد او (مشکات ۳ و ۴)*، تحقیق و نگارش عباس قاسمیان و کریم سبحانی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۸.

— *به سوی او (مشکات ۵)*، تحقیق و تدوین محمد مهدی نادری قمی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۸.

— *اخلاق در قرآن*، تحقیق و نگارش محمدحسین اسکندری، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۶.

مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار (انسان در قرآن)*، ج ۲، تهران، صدرا، ۱۳۷۱.

— *مجموعه آثار (انسان کامل)*، ج ۲۳، تهران، صدرا، ۱۳۸۳.